

اثر گردشگری بر توزیع درآمد برای کشورهای دی هشت

سعید راسخی* و ثریا محمدی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۳/۹	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲
-----------------------	-----------------------

گردشگری بزرگ‌ترین صنعت خدماتی جهان از نظر درآمدزایی شناخته شده است، به طوری که رشد آن تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی را در پی دارد. توسعه صنعت گردشگری برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون درآمد سرانه نسبتاً پایین، توزیع نامناسب درآمد، نرخ فلاکت (مجموع نرخ‌های بیکاری و تورم) قابل توجه، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی مواجه‌اند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد است. برای این منظور، از داده‌های تابلویی مجموعه کشورهای گروه دی هشت (شامل ایران) طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد الگوی داده‌های تابلویی نشان می‌دهد، توسعه گردشگری و باز بودن تجارت اثر مثبت و معنادار بر توزیع درآمد دارند. در مقابل، براساس سایر نتایج مطالعه حاضر، شاخص فلاکت و بحران اقتصاد جهانی، نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهند. در مجموع و براساس نتایج تحقیق حاضر، اگرچه توسعه گردشگری و باز بودن تجارت می‌تواند موجب بهبود توزیع درآمد شود، ولی افزایش مقاومت اقتصادی در برابر بحران‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: صنعت گردشگری؛ توزیع درآمد؛ داده‌های تابلویی؛ کشورهای گروه دی هشت؛ ایران

* استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛

Email: srasekhi@umz.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران؛

Email: mohammadiso92@gmail.com

مقدمه

از ابتدای قرن بیستم تا اواسط آن، توجه بیشتر اقتصاددانان کشورهای جهان به افزایش نرخ رشد اقتصادی معطوف شده بود ولی از نیمه دوم به بعد، به ویژه از دهه ۱۹۷۰ با ملاحظه افزایش شکاف درآمدی میان فقرا و ثروتمندان و همچنین تحول در آگاهی عمومی به افزایش کیفیت زندگی تأکید شده است. به طوری که محبوب‌الحق^۱ (۱۹۷۶) این چنین می‌نویسد «تاکنون به ما گفته می‌شد به رشد اقتصادی بیاندیشید مسئله توزیع درآمد حل خواهد شد، حال ما می‌گوییم به فقر بیاندیشیم رشد محقق خواهد شد». این موضوع ابتدا در کشورهای ثروتمند با تغییر قوانین کار به نفع کارگران و ارائه خدمات رفاهی قابل توجه به نیروی کار، افزایش مالیات از صاحبان سرمایه و اقشار ثروتمند و ارائه انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی برای افراد کم‌درآمد همراه شد (دیزجی و آهنگری گری، ۱۳۹۴: ۷۶). از این نقطه نظر ایجاد تعادل در توزیع درآمدها و کاهش نابرابری به صورت یکی از اهداف عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است.

اهمیت گردشگری به منزله پدیده‌ای نوین، از ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی قابل بحث و بررسی است (Rojek and Urry, 1997: 12). در حال حاضر گردشگری پیش از هر فعالیت دیگری در جهان، حرکت سرمایه و انتقال پول‌ها را در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی موجب می‌شود و هزینه‌های گردشگری به مراتب سریع‌تر از تولید ناخالص ملی و صادرات جهانی کالا و خدمات رشد می‌یابد؛ از این رو اکثر کشورهای جهان به گردشگری که مواد اولیه آن طبیعت زیبا و متنوع، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و فرهنگ است به‌عنوان بهترین راه رسیدن به اهداف خویش می‌نگرند (صدری، غوابش و آبسته، ۱۳۸۶: ۱۲). از سوی دیگر تأثیر گردشگری بر میزان اشتغال کشورها، افزایش درآمد ارزی، رونق صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و مهم‌تر از همه، ارتقای سطح زندگی و معیشتی مردم و بسیاری دیگر از عوامل پیش‌برنده اقتصادی، موجب شده است تا نگرش کشورهای دنیا به مرز آن تغییر یافته و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای محرک توسعه اقتصادی، جایگاه مهمی در

1. Ul Haq

سیاست‌گذاری دولت‌ها پیدا کند (شریفی‌رنانی، صفائی شکیب و عمادزاده، ۱۳۸۹: ۱۰).

بخش گردشگری، جدا از اینکه باعث رشد اقتصادی می‌شود، توزیع درآمد کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد صنعت گردشگری با توجه به اینکه یک صنعت کاربر تلقی می‌شود و بسیاری از صنایع کوچک و متوسط را درگیر می‌کند، ضریب تکاثری نسبتاً بالایی دارد، زودبازده و لزوماً به سرمایه‌گذاری کلان نیاز ندارد، طبقات پایین درآمدی نیز از منافع آن سهم می‌برند و می‌تواند به بهبود توزیع درآمد کمک کند. با این حال، بنا به شدت عامل، اثرگذاری و اثرپذیری صنعت گردشگری بسیار گسترده و تا حدی پیچیده است. کشورهایی که اقتصاد تک‌محصولی دارند، به دنبال استراتژی‌های جایگزین به‌ویژه جایگزینی رشد مبتنی بر گردشگری به جای رشد مبتنی بر صادرات تک‌محصولی هستند. ولی این کشورها در چارچوب اهداف توسعه‌ای خود، نگران اثرات این گونه سیاست‌ها بر توزیع درآمد نیز هستند. برای مثال می‌توان به گروه دی‌هشت اشاره کرد که با هدف کمک به توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای عضو در همه زمینه‌ها در سال ۱۹۹۷ میلادی رسمیت یافت. این همگرایی شامل هشت کشور اسلامی در حال توسعه جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه است. براساس تقسیم‌بندی بانک جهانی، این کشورها در سطوح مختلف توسعه قرار دارند، به‌طوری‌که سه کشور اندونزی، ایران و نیجریه در گروه کشورهای صادرکننده نفت؛ چهار کشور پاکستان، ترکیه، مالزی و مصر در گروه کشورهای با درآمد متوسط و بنگلادش جزو کشورهای کمتر توسعه یافته تلقی می‌شود. از طرف دیگر، کشورهای گروه دی‌هشت با برخورداری از جمعیتی حدود یک میلیارد نفر (حدود ۱۴/۳ درصد جمعیت جهان) برای غلبه بر مشکلات ناشی از اقتصاد تک‌محصولی، با متنوع کردن تولیدات خود، تلاش کرده‌اند اقتصادشان را بازسازی کنند. این کشورها به دلیل داشتن مشترکات فرهنگی و موقعیت ممتاز جغرافیایی، قابلیت‌های بسیاری در بخش گردشگری دارند. به‌طوری‌که در هر هشت کشور مورد بررسی و طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰، بخش گردشگری بیشترین سهم را در ترکیب تولید ناخالص داخلی دارد. در این ارتباط و براساس گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری^۱، سهم صنعت

گردشگری در سال ۲۰۱۴ در ایجاد اشتغال برای پاکستان^۱، نیجریه ۳/۶، ایران ۵/۳، ترکیه ۸/۲، اندونزی ۸/۴، مصر ۱۱/۶، بنگلادش ۳/۶ و مالزی ۱۳ درصد است. همچنین، سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری به ترتیب در کشورهای گروه دی‌هشت نسبتاً متفاوت و مشخصاً برای پاکستان ۶/۹ و ۹/۲، نیجریه ۴/۱ و ۶/۶، ایران ۶/۳ و ۳، ترکیه ۱۲ و ۹/۷، اندونزی ۹/۳ و ۵/۳، مصر ۱۲/۸ و ۱۱/۲، بنگلادش ۴/۱ و ۱/۴ و مالزی ۱۴/۹ و ۶/۸ درصد است. تجزیه و تحلیل وضعیت صنعت گردشگری کشورهای دی‌هشت نشان می‌دهد؛ کشورهایی مانند مصر، ایران، نیجریه و پاکستان در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۱، رشد منفی در عایدی گردشگری داشته‌اند. این در حالی است که با افزایش تعداد گردشگران جهان از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۱۱۳۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴، عایدات بین‌المللی از محل گردشگری به رقم بی‌سابقه ۱۲۴۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. این میزان عایدات، ۳۰ درصد صادرات جهان از خدمات و ۶ درصد کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده و موجب رشد ۹ درصد تولید ناخالص داخلی جهان شده است (UNWTO, 2015: 2).

همچنین، بنا به پیش‌بینی شورای جهانی سفر و گردشگری، سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری جهان در سال ۲۰۲۵ به ترتیب به ۱۰/۵ و ۴/۹ درصد خواهد رسید. از این رو گردشگری نقش مهمی در ترغیب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها/ایجاد درآمد برای دولت و اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در سراسر دنیا داشته است. درآمد ارزی حاصل از صنعت مذکور روزبه‌روز افزایش می‌یابد، به طوری که کشورهای توسعه‌یافته در این بعد از فعالیت‌های اقتصادی، سالانه سهم عمده‌ای از درآمدهای ناشی از ورود گردشگران را به خود اختصاص می‌دهند. درآمد حاصل از صنعت گردشگری نه تنها به لحاظ کمی و کیفی بلکه به لحاظ چگونگی توزیع نهادی، مصرف و پس‌انداز نیز دارای اهمیت است.

در چارچوب بحث‌های فوق و با توجه به اهداف توسعه‌ای گروه دی‌هشت و پتانسیل قابل توجه آنها در بخش گردشگری و اثرات توسعه‌بخش گردشگری در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی، سؤال تحقیق حاضر این است که با گسترش همکاری این همگرایی اقتصادی و

۱. همه ارقام بر اساس قیمت‌ها و نرخ ارز سال ۲۰۱۴ است.

توسعه گردشگری کشورهای عضو، آیا گردشگری چالشی برای هدف مهم توسعه اقتصادی یعنی توزیع درآمد محسوب می‌شود؟ مطالعه حاضر به این سؤال مهم پاسخ داده است. مقاله حاضر در پنج بخش تدوین شده است که به ترتیب بعد از مقدمه، پیشینه تحقیق، مبانی نظری، برآورد الگو و تحلیل نتایج و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۱. پیشینه تحقیق

براساس بررسی‌های انجام شده، مطالعه داخلی محدودی درباره موضوع تحقیق انجام شده که در ادامه به برخی اشاره می‌شود. میرزایی، دیزجی و آقاپور اقدم میانجی (۱۳۹۳) با به کارگیری روش تخمین الگوی خودرگرسیون برداری^۱ و توابع واکنش آنی و تجزیه واریانس به بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۰ پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد ورود گردشگران خارجی، درآمد حاصل از گردشگری، هزینه سرمایه‌گذاری در گردشگری، جمعیت و درجه باز بودن اقتصادی تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد.

خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده^۲ تأثیر درآمدهای بین‌المللی گردشگری بر کاهش فقر و توزیع متعادل درآمد در ایران را طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۸ بررسی کردند. آنان با به کارگیری ضریب جینی به‌عنوان متغیر وابسته، نشان دادند که تأثیر متغیر نسبت درآمدهای گردشگری به تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی^۳ منفی می‌باشد. در حالی که اثر شاخص تجارت و قیمت مصرف‌کننده بر ضریب جینی مثبت بوده و باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

همچنین از مطالعات تجربی خارجی که درباره این موضوع انجام شده است می‌توان به لی^۴ (۱۹۹۶) اشاره کرد که با تجزیه و تحلیل داده و ستانده به بررسی الگوهای توزیع

1. Vector Auto Regression (VAR)

2. Autoregressive Distributed Lags (ARDL)

3. Gini Coefficient

4. Lee

درآمد صنعت گردشگری در کره جنوبی پرداخت. او با استفاده از منحنی لورنز^۱ و ضریب جینی و متغیرهای درآمد، اشتغال، ارزش افزوده، مالیات غیرمستقیم و توزیع درآمد در صنعت گردشگری نشان داد که صنعت گردشگری از نظر تولید اشتغال، درآمد مالیاتی و توزیع درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی بهتر از بسیاری صنایع دیگر عمل می‌کند.

مارکویلر، کیم و دلر^۲ (۲۰۰۴)، با توجه به این نکته که شناخت مکانیسم‌های توزیعی رشد اقتصادی به سازگاری اطلاعات پیش‌بینی شده برنامه‌ریزی گردشگری روستایی وابسته است؛ به بررسی امکانات طبیعی، گردشگری و توزیع درآمد در ۲۴۲ منطقه دریاچه‌ای ایالات متحده آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۸۰ پرداختند و ایشان همچنین با به کارگیری مدل حداقل مربعات معمولی^۳ و مدل خطای فضایی^۴ نشان دادند که انواع خاصی از امکانات طبیعی گردشگری و متغیرهای رشد به‌طور آشکار به توزیع درآمد وابسته است. تجزیه و تحلیل اثرات گردشگری از دیدگاه ایجاد اشتغال و بی‌توجهی به رشد درآمد، اجزای کلیدی ساختار توسعه روستایی را تشکیل می‌دهند.

آنتونگ^۵ و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر گردشگری مبتنی بر جامعه^۶ بر توزیع درآمد در سه روستای تایلند پرداختند. ایشان با استفاده از ضریب جینی و شاخص شوروکز^۷ (انحراف درآمدی) نشان دادند که گردشگری تمایل به افزایش نابرابری درآمد دارد؛ زیرا بیشترین درآمد بین اعضای کمیته گردشگری و رؤسای روستا متمرکز می‌شود. و بخشی از آن، به خانواده‌هایی که سوغاتی می‌فروشند و فعالیت‌های غیرکشاورزی ارائه می‌دهند، اختصاص می‌یابد. همچنین ایشان دریافتند که درآمد گردشگری مبتنی بر جامعه می‌تواند برای جوامع با اهمیت تلقی شود.

بلیک و همکاران^۸ (۲۰۰۸) با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه^۹ به بررسی اثر

-
1. Lorenz Curve
 2. Marcouiller, Kim and Deller
 3. Ordinary Least Squares (OLS)
 4. Spatial Error Model (SEM)
 5. Untong and et al.
 6. Community-Based Tourism (CBT)
 7. Shorrocks
 8. Blake and et al.
 9. Computable General Equilibrium (CGE)

اثر توزیعی گردشگری در برزیل پرداختند. آنها با توجه به اینکه افزایش تقاضای گردشگری، توزیع درآمد را از طریق سه کانال تحت تأثیر قرار می‌دهد: ۱. با افزایش قیمت کالاها و خدمات خریداری شده توسط خانوار، ۲. از طریق رشد درآمدی حاصل از سرمایه و ۳. با انتقال درآمد دولتی ناشی از مالیات به خانوارها، نشان دادند که: اثرات رفاه بر دولت مثبت است، در حالی که اثرات توزیعی گردشگری را بنا به طبقه درآمدی خانوارها متفاوت به دست آوردند. همچنین ایشان دریافتند که گردشگری به نفع پایین‌ترین بخش درآمد در برزیل است و منجر به توزیع برابر درآمدی از طریق تغییر در درآمد، قیمت است.

ژانگ، دینگ و باو^۱ (۲۰۰۸)، به بررسی توزیع درآمد و گردشگری تجاری در روستای سنتی اکسایدی^۲ چین پرداختند. ایشان دریافتند روش تجزیه و تحلیل اقتصادی و اجتماعی برای جوامعی با مقیاس جغرافیایی کوچک (جوامع روستایی) مفید است و همچنین نشان دادند که وضعیت اجتماعی چین، در فرایندهای همزمان توزیع درآمد و گردشگری تجاری به‌عنوان یک کاتالیزور نقش مهمی ایفا می‌کند.

لاچر و اوه^۳ (۲۰۱۲) با بررسی تجربی سه منطقه ساحلی ایالات متحده نشان دادند شغل‌های شغل‌های ایجاد شده توسط مخارج صنعت گردشگری نابرابری توزیع درآمدی کمتری نسبت به شغل‌های عمومی دارد و ایشان دریافتند که استراتژی توسعه گردشگری برای مناطق با نرخ بالای بیکاری مناسب است نه برای مناطق با نرخ بیکاری پایین؛ این به‌ویژه در کشورهای صدق می‌کند که نرخ بالای بیکاری به بخش جوان مربوط است، چون مشاغل ایجاد شده توسط گردشگری در عین حال که بیکاری را کاهش می‌دهند بر اشتغال کم‌درآمد تکیه می‌کنند.

گتی^۴ (۲۰۱۳)، با به‌کارگیری مدل تعادل عمومی قابل محاسبه به بررسی گردشگری، رفاه رفاه و توزیع درآمد در کروواسی پرداخت. او نشان داد امکانات طبیعی گردشگری (به‌ویژه منابع آبی) یکی از عوامل کلیدی توزیع درآمد است و با اندازه‌گیری اثرات توزیعی با شاخص اتکینسون دریافت گردشگران ورودی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهند. همچنین او نشان داد

1. Zhang, Ding and Bao

2. Xidi

3. Lacher and Oh

4. Gatti

که اگر ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری انتخاب شود، این اثرات کمتر خواهد شد. آدییا^۱ و همکاران (۲۰۱۴) به تجزیه و تحلیل فضایی توزیع درآمد گردشگری در بخش اقامتی غرب اوگاندا در سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۲ پرداختند. ایشان با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از کارکنان اطراف پارک ملی کیباله^۲ در غرب اوگاندا نشان دادند که منطقه نفوذ جغرافیایی اقامت گردشگری در روستاها، نسبت به مناطق شهری کمتر است. درک تفاوت‌های فضایی توزیع منافع گردشگری در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به سیاست‌های آگاهانه در کاهش فقر منجر شود. سیاست ترویج گردشگری به عنوان استراتژی کاهش فقر در برخی از مناطق موفقیت‌هایی را نشان داده است. علاوه بر این، برای بیش از ۸۰ درصد خانواده‌ها، گردشگری منبع اصلی درآمد در این مناطق است. همچنین، اشتغال گردشگری می‌تواند سرمایه اولیه لازم را برای فعالیت‌های تکمیلی به دست آورد.

گرچیا^۳ (۲۰۱۵)، به بررسی توزیع درآمد، گردشگری و بحران در کشورهای جنوب اروپا پرداخت. او با استفاده از مدل حداقل مربعات تعمیم یافته^۴ طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ نشان داد که بخش گردشگری علاوه بر اینکه باعث رشد اقتصادی می‌شود، توزیع درآمد در کشورهای جنوب اروپا را نیز بهبود می‌دهد. همچنین، آنان دریافتند که رشد اقتصادی و بحران بر توزیع درآمد اثری ندارد.

حنا، لوی و پتیت^۵ (۲۰۱۵) با به کارگیری دو مدل حداقل مربعات تعمیم یافته و لاجیت، به بررسی تجارت درون گردشگری، توزیع درآمد و وقف گردشگری در کشورهای اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ پرداختند. ایشان با توجه به یافته‌های تجربی نواک، پتیت و سهلی^۶ (۲۰۱۲) - تجارت درون صنعت عمودی^۷ در اروپا غالباً از نوع نوع تجارت درون صنعت^۸ در بخش گردشگری است - نشان دادند تفاوت در تولید ناخالص داخلی سرانه، همپوشانی توزیع درآمد و نزدیکی فرهنگی، مهم‌ترین عوامل

1. Adiyia and et al.

2. Kibale

3. Georgiou

4. Generalized Least Squares (GLS)

5. Hanna, Lévi and Petit

6. Nowak, Petit and Sahli

7. Vertical Intra Industry Trade (VIIT)

8. Intra-Industry Trade (IIT)

تأثیرگذار تجارت درون صنعت عمودی برای کشورهای اروپایی است و عوامل موقوفات خاص گردشگری و اندازه نسبی اقتصاد اثرگذاری کمتری دارند و همچنین فاصله جغرافیایی یک اثر منفی بر تجارت درون صنعت عمودی این کشورها دارد.

اینسرا و فرناندز^۱ (۲۰۱۵) با تمرکز بر گروه‌های مختلف درآمدی خانوارها و مکانیزم درآمدهای بودجه‌ای دولت به بررسی گردشگری و توزیع درآمد در گالیسیای اسپانیا پرداختند. ایشان با طراحی روشی خاص برای ارزیابی سیاست‌های گردشگری و ترکیب داده‌های طبقات مختلف درآمدی و با ماتریس حسابداری اجتماعی^۲ در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که هر چند رشد رشد گردشگری به سود همه طبقات خانواده‌ها می‌باشد، ولی بزرگ‌ترین دستاوردها توسط خانوارهایی با درآمد بالا دریافت شده است و این باعث نابرابری درآمدی در منطقه شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

از سال ۱۹۷۰ اثرات اقتصادی گردشگری به دلیل ارائه مزایای اقتصادی از جمله: رونق کسب و کار گردش مالی، درآمد ساکنان، فرصت‌های شغلی، و مالیات دولت مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، عایدی گردشگری موجب بهبود تراز پرداخت‌ها از طریق افزایش درآمد ارز خارجی می‌شود. اندازه‌گیری دقیق اثر اقتصادی گردشگری برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تمرکز برنامه‌ریزی روی تلاش‌های تبلیغاتی و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری با اهمیت است. برای حفظ استاندارد افزایش یافته زندگی، یک برنامه رشد اقتصادی بلندمدت ضروری است. در عین حال، سیاست اقتصادی به منظور پاسخگویی به اینکه آیا توسعه آینده گردشگری منجر به توزیع مساوی درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی و بهبود استانداردهای زندگی فقرا می‌شود یا نه؟ لازم می‌باشد (Lee, 1996: 35).

ادبیات قابل توجهی درباره اندازه‌گیری اثرات توزیعی گردشگری وجود ندارد.^۳

1. Incera and Fernández

2. Social Accounting Matrix (SAM)

۳. توزیع درآمد، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند. منظور از درآمد نیز ارزش پولی افراد در مقابل خدماتی است که ارائه می‌دهند، مانند دستمزد، حقوق، بهره سرمایه، سود سهام، تعریف ساده مایکل تودارو از توزیع درآمد ملی این است که چه کسی چه مقدار از چه چیزی را به دست می‌آورد.

ماتیسون و وال^۱ (۱۹۸۲) استدلال کردند که تا به حال، بیشتر پژوهش‌های گردشگری روی اثرات اقتصادی متمرکز شده است، و از ارزیابی سود و زیان توسعه صنعت گردشگری و اهمیت برابری درآمد غفلت شده است. کاکوانی^۲ (۱۹۸۰) اظهار داشت «پدیده نابرابری درآمد، یکی از دلایل ناآرامی اجتماعی در سراسر جهان بوده است». همچنین اشنیتزر^۳ (۱۹۷۴) بیان کرد «عدم برابری در توزیع درآمد و ثروت هر دو محیط را برای ناهنجاری‌های اجتماعی آماده می‌کند». به طور کلی، ادبیات گردشگری موضوع مهم توزیع درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی را نادیده گرفته است.

هکشر^۴ در سال ۱۹۱۹ نظریه عوامل تولید را ارائه کرد و در سال ۱۹۳۳ اوهلین^۵ آن را تکمیل کرد و به نظریه هکشر - اوهلین معروف شد. قضیه هکشر - اوهلین را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد: «هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد، و به طور متقابل کالایی را وارد می‌کند که تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد» (سالواتوره، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه صنعت گردشگری یک صنعت کاربر محسوب می‌شود، کشورهای در حال توسعه دارای جاذبه‌های گردشگری می‌توانند از عامل کار ارزان خود بهره‌برداری کرده و از لحاظ درآمد ارزی، آن را جایگزین اقتصاد تک‌محصولی کنند.

آثار مستقیم و غیرمستقیم مخارج گردشگری، به نحوه توزیع درآمدهای حاصل از آن بستگی دارد که این به نوبه خود به مالکیت و چگونگی بهره‌برداری از منابع و امکانات در حوزه گردشگری هر کشور وابسته است. به عبارت دیگر کاربرد نسبی عوامل تولید علاوه بر بازدهی هر عامل، به نوع گردشگری ارائه شده در هر کشور نیز بستگی دارد. در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای که صنعت گردشگری در آنها در مراحل مقدماتی است، این صنعت عموماً اشتغال‌زا بوده است. در کشورهایی که از نظر صنعت گردشگری ابتدایی یا پیشرفته هستند، توسعه بیشتر گردشگری می‌تواند به مفهوم نیاز به سرمایه‌گذاری‌های ثابت در

1. Mathieson and Wall

2. Kakwani

3. Schnitzer

4. Hechscher

5. Ohlin

روش‌های پیشرفته حمل‌ونقل، توسعه تفریح‌گاه‌ها و اقامتگاه‌ها باشد. به این ترتیب درآمد حاصل از گردشگری به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری ارتباط یافته و آثار گردشگری و اقتصاد بستگی به ماهیت عرضه سرمایه و نحوه استفاده از منابع آن دارد. در گردشگری نیز همچون سایر صنایع، نسبت سرمایه به کار به تدریج و با به‌کارگیری فناوری پیشرفته‌تر تغییر می‌کند. البته فرایند جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار در گردشگری نسبت به سایر صنایع کندتر صورت می‌گیرد؛ زیرا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محصولات گردشگری بر مشخصه خدمات شغلی در گردشگری تأکید می‌ورزند و هر جا که این مشخصه مهم تلقی می‌شود سهم بالای نهاد کار، بیشتر حفظ خواهد شد.

بنابراین صنعت گردشگری با کمک به رشد اقتصادی، یک منبع درآمدی برای خانوارهای ساکن و شرکت‌های محلی است. این امر به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته^۱ مناسب است. در واقع، براساس بیانیه سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۰۵، با عنوان «بهره‌برداری گردشگری برای اهداف توسعه هزاره» گردشگری به‌عنوان یک نیروی عمده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است (Incera and Fernández, 2015: 11).

تجارب بین‌المللی و منطقه‌ای نشان می‌دهد گردشگری می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم مثبت و معناداری در سطح محلی با تولید فرآورده و اشتغال داشته باشد، و همچنین موجب افزایش حقوق و دستمزد و درآمد سرمایه می‌شود (Archer and Fletcher, 1996; Frechtling and Horvath, 1999). علاوه بر این، برخی اثرات اجتماعی این مزایا ممکن است افراد و عوامل تولید در خارج از منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد (Archer, 1982). این اثر به ساختار اقتصاد (مقدار واردات مورد نیاز در فرایند تولید) و به نوع محصولات مصرف شده توسط بازدیدکنندگان بستگی دارد. همچنین، برای در نظر گرفتن اثرات توزیعی، لازم است به مکانیسم گردشگری، توزیع نیروی کار و درآمدهای بودجه‌ای سرمایه و عوامل مختلف اجتماعی - اقتصادی توجه داشته باشیم. در واقع، ما می‌توانیم عوامل مختلفی را شناسایی کنیم تا نشان دهد گردشگری می‌تواند اثرات مختلف توزیعی بسته به ارتباط متفاوت فعالیت‌های گردشگری با بقیه اقتصاد داشته باشد.

به طوری که، صنعت گردشگری در عین حال که با افزایش درآمد تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی می‌گذارد؛ می‌تواند با ایجاد نابرابری درآمدی باعث بدتر شدن توزیع درآمد شود (Copeland, 1991; Untong and et al., 2006; Marcouiller and Xia, 2008; Pant and Parker, 2011; Incera and Fernández, 2015). و تناکولجاروس و کوکسد^۱ (۲۰۰۸) نیز با استفاده از مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر نشان دادند، هر چند رشد گردشگری به سود همه طبقات خانگی است ولی، بزرگ‌ترین دستاوردها توسط خانوارهای با درآمد بالا و توزیع‌کنندگان محصولات غیر کشاورزی دریافت شده است. بنابراین توسعه گردشگری به نفع فقرا نمی‌باشد. بلیک و همکاران (۲۰۰۸) نیز با پیاده‌سازی مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر به منظور محاسبه اثرات گردشگری در کاهش فقر و توزیع مجدد درآمد در برزیل نشان دادند با وجود اینکه خانوارهای کم‌درآمد (امانه کمترین) ذی‌نفعان اصلی کانال‌های سود و هزینه هستند، ولی خانوارهای با درآمد بالا و متوسط بیشترین بهره را از اثرات کانال دولت بر توسعه گردشگری می‌گیرند. با این حال، مطالعات کمتری در ارتباط با چگونگی اثرگذاری گردشگری بر توزیع درآمد انجام شده است.

کپلند (۱۹۹۱) اولین کسی بود که در مدل تعادل عمومی خود، اثرات گردشگری را با پارادوکسی مرتبط کرد که در ادبیات به عنوان «بیماری هلندی» شناخته شده است. این ایده قبلاً توسط کوردن و نری^۲ (۱۹۸۲) توسعه داده شده بود. براساس استدلال کپلند، اثرگذاری اقتصادی توسعه گردشگری در اقتصادهای کوچک باز، از طریق تغییر شرایط تجاری، می‌باشد. درحقیقت، گردشگران خارجی به‌طور عمده کالای غیرتجاری را مصرف می‌کنند و این موجب افزایش تقاضا و قیمت کالاهای غیرتجاری شده و در نتیجه کاهش نرخ ارز می‌شود (یعنی نسبت بین قیمت کالای تجاری و غیرتجاری). به این ترتیب کاهش نرخ ارز به افزایش اثرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری و بهبود رفاه منجر می‌شود. با این حال، به دلیل افزایش درآمد و محصول نهایی کار، گردشگری از سایر صنایع جذاب‌تر بوده و موجب جذب عوامل تولید به خصوص نیروی کار از بخش‌های دیگر می‌شود. و این به نوبه خود جمعیت را از بخش‌های دیگر به‌ویژه کشاورزی و صنعت

1. Wattanukuljarus and Coxhead

2. Corden and Neary

خارج می‌کند و این روند موجب صنعت‌زدایی می‌شود. وابستگی بیش از حد به گردشگری و اثرات منفی اجتماعی و اقتصادی و جنبه‌های زیست‌محیطی آن می‌تواند در نهایت موجب بدتر شدن توزیع درآمد شود (Marcouiller and Xia, 2008).

۳. برآورد الگو و تحلیل نتایج

در پژوهش حاضر، برای آزمون فرضیه تحقیق و برآورد معادله توزیع درآمد، از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. گفتنی است در میان مطالعات تجربی توزیع درآمد، گرجیا (۲۰۱۵) مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته، مارکویلر، کیم و دلر (۲۰۰۴) دو مدل حداقل مربعات معمولی و مدل خطای فضایی، حنا، لوی و پتیت (۲۰۱۵) دو مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته و لاجیت را به کار برده‌اند، بیگستن و لویین^۱ (۲۰۰۰)، لی و زو^۲ (۲۰۰۲)، میلانویچ^۳ (۲۰۰۵)، گارسیا و باندیریا^۴ (۲۰۰۴)، اندرسون^۵ (۲۰۰۵)، لی (۲۰۰۶)، مالربا و اسپریفکو^۶ (۲۰۱۴) از داده‌های تابلویی استفاده کرده و غالباً براساس نتایج به دست آمده توصیه‌های سیاستی نیز ارائه کرده‌اند. مطالعات دیگری نیز وجود دارند که از الگوهای تعادل عمومی محاسبه‌پذیر و ماتریس حسابداری اجتماعی بهره گرفته‌اند. ولی در انتخاب الگو باید به این مهم توجه داشت که همه الگوها ماهیتاً محدودیت‌هایی دارند. به‌عنوان نمونه، روش ماتریس حسابداری اجتماعی از داده‌های قدیمی استفاده می‌کند و درعین حال قابلیت دسترسی کامل همین اطلاعات برای کشورهای مورد بررسی نیز محدودیت مهمی به شمار می‌رود. الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر نیز به اطلاعات درون کشوری و به الگوسازی مستقلی براساس ساختار اقتصادی نیاز دارد. درعین حال، در الگوی داده‌های تابلویی، با ترکیب سری زمانی و مقطعی، تعداد مشاهدات و درجه آزادی الگو افزایش می‌یابد، وجود ناهمسانی واریانس محدود می‌شود، تورش برآورد به حداقل می‌رسد، همخطی میان متغیرها

1. Bigsten and Levin

2. Li and Zou

3. Milanovic

4. Garcia and Banderia

5. Anderson

6. Malerba and Spreafico

کاهش می‌یابد و کارایی بیشتر می‌شود (Baltagi, 2005). همچنین داده‌های تابلویی اطلاعات مقاطع متفاوت و پویایی آنها را همزمان در نظر می‌گیرد و قدرت آماری ضرایب را با وجود کوتاه بودن دامنه زمانی افزایش می‌دهد (Asteriou and Price, 2005).

معادله توزیع درآمد در تحقیق حاضر به صورت زیر برآورد شده است:

$$GINI_{it} = \alpha + \beta_1 GGDP_{it} + \beta_2 STOUR_{it} + \beta_3 MISERY_{it} + \beta_4 OPEN_{it} + \beta_5 DUM_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، GINI، ضریب جینی شاخص اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است و به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است؛ همچنین متغیرهای توضیحی عبارت است از: GGDP رشد اقتصادی، STOUR سهم عایدی حاصل از گردشگری که از تقسیم عایدی گردشگری هر کشور بر کل عایدی گردشگری جهان به‌دست آمده و MISERY شاخص فلاکت است که از جمع ساده نرخ تورم و نرخ بیکاری به‌دست آمده است و سرانجام OPEN درجه باز بودن تجاری (مجموع صادرات و واردات بر کل تولید ناخالص داخلی) است و DUM متغیر مجازی برای در نظر گرفتن تأثیر بحران اقتصاد جهانی تعریف شده است. داده‌های شاخص GINI از سایت‌های مختلف و سایر داده‌های آماری از سایت سازمان ملل جمع‌آوری شده‌اند. در ادامه، مبانی نظری و تجربی الگوی (۱) ارائه شده است. با توجه به اینکه آزادسازی تجاری و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای از جمله اهداف گروه دی‌هشت است و اثرات احتمالی تجارت بر توزیع درآمد، متغیر درجه باز بودن تجارت در معادله توزیع درآمد کشورهای دی‌هشت به‌عنوان متغیر توضیحی الگو لحاظ شده است؛ نظریه‌های تجارت بین‌الملل و تغییرات تکنولوژی مهارت‌گرا مبانی نظری قابل توجهی را برای اثر باز بودن تجارت بر توزیع درآمد فراهم می‌کنند. در چارچوب نظریه نئوکلاسیکی تجارت بین‌الملل، تجارت بین‌الملل بازده عاملی که در تولید کالای مزیت‌دار به نسبت بیشتر استفاده شده است را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه عموماً در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی بالاتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته دارند، انتظار می‌رود تجارت بین‌الملل به نفع عامل فراوان این کشورها و در مجموع موجب بهبود توزیع درآمد این کشورها باشد. از طرفی، برخی پژوهشگران مانند ویتترز^۱ (۲۰۰۲)،

ماس^۱ (۲۰۰۱)، اگنور^۲ (۲۰۰۲) و دالر و کری^۳ (۲۰۰۴) بر این باورند که آزادسازی تجاری موجب انعطاف‌پذیری و شفافیت بیشتر بازار کار شده و تقاضای نیروی کار ماهر در بخش‌هایی که به بازارهای جهانی راه می‌یابند را افزایش می‌دهد. ولی برخی دیگر از محققان همچون مک‌کالوج، وینترز و کیرر^۴ (۲۰۰۱) و تی‌سای و هوانگ^۵ (۲۰۰۷) معتقدند که آزادسازی تجاری مشکلاتی از قبیل افزایش بیکاری و نابرابری درآمد در کشورهای پیشرفته و استعمار کارگران در کشورهای در حال توسعه را به وجود آورده و باعث افزایش فقر و نابرابری می‌شود. از این رو، مسچی و ویوارلی^۶ (۲۰۰۷)، اورنک و الورن^۷ (۲۰۱۰)، منیر و همکاران (۲۰۱۳)، لیم و مک‌نیلز^۸ (۲۰۱۴)، گرجی و برهانی‌پور (۱۳۸۷) و طیبی و ملکی (۱۳۹۰) تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدی را مثبت به دست آورده‌اند در حالی که کلمنتز و کیم^۹ (۱۹۸۸)، اویولز - همز^{۱۰} (۲۰۰۵)؛ دیوید^{۱۱} (۲۰۱۱)، خان و بشیر (۲۰۱۱)، سروری و همکاران (۱۳۹۲)، آذربایجانی، ملاسمعیلی دهشیری و دائی کریم‌زاده (۱۳۹۲)، اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰)، موسوی، صدرالاشرفی و طاهری (۱۳۸۸) و نظری و فتوره‌چی (۱۳۸۸) آن را منفی برآورد کرده‌اند.

ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد به نحو انکارناپذیری پیچیده است. اقتصاددانان کلاسیک از قدیم اعتقاد داشتند که رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد مقدور نیست (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). آنان (گرشنکرن^{۱۲}، ۱۹۶۲؛ رستو^{۱۳}، ۱۹۹۰؛ نورکس^{۱۴}، ۱۹۵۳ و لویس^{۱۵}، ۱۹۵۴) معتقد بودند که مهم‌ترین راه دستیابی به توسعه، انباشت سرمایه فیزیکی

-
1. Masse
 2. Agénor
 3. Dollar and Kraay
 4. MCCulloch, Winters and Cirere
 5. Tsai and Huang
 6. Meschi and Vivarelli
 7. Örnek and Elveren
 8. Lim and McNelis
 9. Clements and Kim
 10. Obiols-Homs
 11. David
 12. Gerschenkron
 13. Rostow
 14. Nurkse
 15. Lewis

است و یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی، تشدید نابرابری در توزیع درآمدهاست. با این استدلال، هر نظام اقتصادی که بر پایه نابرابری بیشتر درآمد پایه گذاری شده باشد، در مراحل اولیه توسعه، رشد اقتصادی بالاتری نسبت به نظام اقتصادی طرح ریزی شده براساس توزیع عادلانه تر درآمدها خواهد داشت (همان: ۱۲۳). از سوی دیگر آدام اسمیت^۱ معتقد است که در اثر ازدیاد تولید، رشد اقتصادی حاصل می شود و با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه گذاری، جریان توسعه تحقق می یابد. این امر سبب می شود میزان دستمزد به مرور از سطح دستمزد معیشتی فاصله بگیرد و افزایش سطح دستمزدها می تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقشار فقیر داشته باشد. در خصوص تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، مطالعات زیادی صورت گرفته است که برخی از آن ها مانند برونو راولیون و اسکویر^۲ (۱۹۹۶)، دادخواه (۲۰۰۶)، نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷) و احمدی و مهرگان (۱۳۸۴) با تأکید بر سهولت جابه جایی سرمایه در مقیاس جهانی، برخورداری از ذخایر خدادادی و نیز امکان سرمایه گذاری در نیروی انسانی، رشد اقتصادی را عامل بهبوددهنده توزیع درآمد در نظر گرفته اند. در حالی که برخی دیگر از مطالعات تجربی نظیر پسران (۱۹۷۴)، گارسیا و باندیریا (۲۰۰۴)، وریمی و ارهارت^۳ (۲۰۰۴) و رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد را منفی ارزیابی کرده اند. برای توجیه این اثر منفی، آنان به فرضیه کوزنتس اشاره می کنند. براساس این فرضیه، نابرابری توزیع درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش است و در مراحل نهایی رشد اقتصادی، کاهش می یابد.

بیکاری با افزایش دادن پراکنندگی درآمدی، عامل مهمی در توزیع درآمد محسوب می شود. مشخصاً، اشتغال به عنوان یکی از منابع کسب درآمد خانوارها به شمار می آید و از این رو می تواند بر تفاوت درآمد بین گروه های مختلف درآمدی نیز مؤثر باشد. از طرف دیگر، بیکاری موجب می شود درآمد گروه های پایین درآمدی (که تنها دارای منبع درآمدی یعنی عرضه نیروی کار خود هستند)، کاهش یابد. در حالی که بیکاری برای گروه های بالای درآمدی که سهم درآمدی از سایر دارایی ها دارند و از چند طریق درآمد به دست می آورند

1. Adam Smith

2. Bruno, Ravallion and Squire

3. Weriemmi and Ehrhart

چندان مفهومی ندارد (بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). بنابراین، ساختار بیکاری نیز حائز اهمیت است و بر این اساس، اثر بیکاری بر توزیع درآمد می‌تواند مثبت یا منفی باشد. همچنین، نرخ تورم بالا همراه با نوسان‌های زیاد اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی و همچنین، عدالت اجتماعی می‌تواند داشته باشد (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷: ۱۴۵). افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در صورتی که با افزایش درآمد نسبی طبقات مختلف درآمدی متناسب باشد و همچنین با تغییر سطح قیمت‌های نسبی کالاهایی که توسط گروه‌های خاص درآمدی مصرف می‌شود همراه نگردد، توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد. همچنین با توجه به اینکه معمولاً با افزایش قیمت کالاها، درآمد گروه‌های پایین درآمدی افزایش چندانی ندارد، کاهش می‌یابد، در حالی که قدرت خرید گروه‌های بالای درآمدی احتمالاً متأثر از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نخواهد بود. بنابراین، نرخ تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، رفاه گروه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). اغلب مطالعات تجربی مانند بلندر و ایزاکی^۱ (۱۹۷۸)، ویل^۲ (۱۹۸۴)، نولان^۳ (۱۹۸۸)، یوشینو^۴ (۱۹۹۳)، ابونوری (۱۳۷۶)، نظری و مظاهری (۱۳۹۰) و کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) بیانگر اثر گذاری منفی نرخ تورم و بیکاری بر توزیع درآمد عادلانه می‌باشند.

بحران اقتصادی که به دنبال بروز عدم تعادل وسیع در بازارهای داخلی و خارجی رخ می‌دهد، از یک بازار به سایر بازارها سرایت کرده و گاه کل اقتصاد را درگیر می‌کند. اثرات سوء ناشی از بحران‌ها به اشکال مختلفی از قبیل نرخ تورم بالا، کاهش رشد اقتصادی، رکود گسترده و کاهش اشتغال، کسری تراز پرداخت‌ها و غیره ظهور کرده و در سطح بین‌المللی به سایر کشورها نیز تسری می‌یابد (حسن‌زاده و کیانوند، ۱۳۸۸: ۸۵). در زمان بحران، به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش بیکاری، قدرت خرید عوامل تولید به ویژه عواملی که بازده ثابتی دارند، کاهش می‌یابد و این موضوع موجب پراکندگی و افزایش

1. Blinder and Esaki

2. Weil

3. Nolan

4. Yoshino

نابرابری درآمدی شده و توزیع درآمد را بدتر می‌کند. روند توزیع درآمد کشورهای مختلف طی دوره بحران اقتصادی ۲۰۰۸ مؤید این واقعیت مهم است. مطالعات تجربی درخصوص اثر بحران بر توزیع درآمد به نتیجه نسبتاً مشخصی دست یافته‌اند، به‌عنوان نمونه می‌توان به فریدمن و لوینسون^۱ (۲۰۰۲)، بالدسی، دی مالو و اینچاست^۲ (۲۰۰۲)، راولیون^۳ (۲۰۱۰)، تریک آیزمیرلیجا و افندیس^۴ (۲۰۱۳) اشاره کرد که به این نتیجه دست یافته‌اند.

براساس مجموعه مطالعات یاد شده، الگوی تحقیق حاضر تبیین، تصریح و برآورد شده است. درعین حال، الگوی مطالعات گرجیا (۲۰۱۵)، بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی (۱۳۸۹)، نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷)، طیبی و ملکی (۱۳۹۰)، ابونوری، مفتاح و پرهیزی گشتی (۱۳۸۹)، اصغرپور، سلمانی و حکمتی فرید (۱۳۹۳)، خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) و سپهردوست و زمانی شبخانه (۱۳۹۴) مشابهت بیشتری با الگوی مطالعه حاضر دارند. برای شروع تخمین این الگو، لازم است مانایی متغیرها از طریق آزمون لوین، لین و چو مورد بررسی قرار گیرد. نتایج آزمون یاد شده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. بررسی مانایی متغیرهای به‌کار رفته در الگوی (۱) با آزمون لوین، لین و چو، طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۳)

متغیرها	(احتمال)*	آماره
توزیع درآمد (Gini)	(۰/۰۰۱۹)	-۲/۸۹۱۲
رشد اقتصادی (Ggdp)	(۰/۰۰۰۰)	-۴/۸۸۵۹
سهم درآمدی گردشگری (Stour)	(۰/۰۳۴۹)	-۱/۸۱۳۳
شاخص فلاکت (Misery)	(۰/۰۰۰۱)	-۳/۸۲۴۹
آزادسازی تجاری (Open)	(۰/۰۰۰۶)	-۳/۲۵۲۱

* مقادیر داخل پرانتز مربوط به ارزش احتمال متغیر می‌باشد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1. Friedman and Levinsohn
2. Baldacci, De Mello and Inchauste
3. Ravallion
4. Trkić-Izmirlija and Efendić

بر اساس جدول ۱، تمامی متغیرهای به کار رفته در الگو در سطح $(I(0))$ ، مانا می‌باشند؛ از این رو رگرسیون منتخب کاذب نیست. از آنجا که در مطالعات مبتنی بر داده‌های تابلویی احتمال بروز مشکل ناهمسانی واریانس^۱ و خودهمبستگی^۲ وجود دارد، بنابراین قبل از تخمین الگو، برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی به ترتیب از آزمون‌های نسبت درستنمایی^۳ (LR) و وولدریج^۴ استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۲ آمده است.

نتایج حاصل از جدول ۲، حاکی از وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی است. از این رو جهت رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج برآورد اثر گردشگری بر توزیع درآمد در کشورهای گروه دی‌هشت طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس آماره F لیمر مندرج در این جدول، روش داده‌های تابلویی برای تخمین الگو مناسب به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به آزمون هاسمن^۵، از روش اثرات ثابت^۶ برای برآورد الگوی ۱ استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون نسبت درستنمایی و وولدریج الگوی (۱) طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۰)

۶۷۳۵/۰۷	مقدار آماره آزمون (نسبت درستنمایی)
۰/۰۰۰۰	احتمال
۳۴/۶۰۰	مقدار آماره آزمون (وولدریج)
۰/۰۰۰۶	احتمال

مأخذ: همان.

نتایج برآورد الگو در جدول ۳ نشان می‌دهد، تمامی ضرایب معنادار است. همچنین،

-
1. Heteroskedasticity Test
 2. Autocorrelation Test
 3. Likelihood-ratio Test
 4. Wooldrige's Test
 5. Hausman Test
 6. Fixed Effect

تمامی ضرایب دارای علامت مورد انتظار و موافق با مبانی نظری و تجربی می‌باشند. علاوه بر این، مقدار $R^2 = 0/88$ نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. این یافته، همسو با نتایج سایر مطالعات مانند لی (۱۹۹۶)، بلیک و همکاران (۲۰۰۸)، لاجر و اُه (۲۰۱۲)، گتی (۲۰۱۳)، گرجیا (۲۰۱۵)، خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) است. براساس نتیجه این تحقیق، افزایش یک صدم واحد سهم درآمد ارزی گردشگری، با فرض ثبات سایر شرایط، موجب کاهش حدود ۱/۹ واحد در شاخص نابرابری درآمدی کشورهای گروه دی هشت شده است.^۱ همچنین با توجه به مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر رشد اقتصادی می‌توان گفت در صورتی که رشد اقتصادی به میزان یک واحد افزایش یابد، به فرض ثبات سایر شرایط، شاخص نابرابری تقریباً به میزان ۰/۰۶ واحد افزایش می‌یابد. این نتیجه همسو با نتایج سایر مطالعات مانند پسران (۱۹۷۴)، گارسیا و باندیریا (۲۰۰۴)، وریمی و ارهارت (۲۰۰۴) و رضایی و همکاران (۱۳۹۲) است. علامت مثبت این ضریب بیانگر آن است که رشد اقتصادی منجر به بدتر شدن توزیع درآمد در منطقه مورد بررسی شده است. براساس فرضیه کوزنتس می‌توان بیان کرد که کشورهای گروه دی هشت هنوز در مراحل اولیه رشد و توسعه اقتصادی هستند و احتمال معکوس شدن رابطه مذکور در سال‌های آینده وجود دارد. شاخص فلاکت (که از مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری به دست آمده است) اثر مثبت بر ضریب جینی دارد و براساس یافته‌های مطالعه حاضر، افزایش یک واحد شاخص فلاکت، موجب بدتر شدن توزیع درآمد به میزان ۰/۰۰۵ واحد می‌شود. این یافته مطابق با نتایج اغلب مطالعات پیشین مانند بلندر و ایزاکی (۱۹۷۸)، ویل (۱۹۸۴)، نولان (۱۹۸۸)، یوشینو (۱۹۹۳)، ابونوری (۱۳۷۶)، نظری و مظاهری (۱۳۹۰)، کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) است. اثر درجه باز بودن اقتصاد بر توزیع درآمد کشورهای گروه دی هشت منفی و معنادار به دست آمده است. براساس نتایج این مطالعه، در صورتی که درجه باز بودن اقتصاد

۱. شاخص جینی در واقع همان ضریب جینی است که به صورت درصد (در بازه صفر و صد) بیان می‌شود. مقدار پایین این شاخص، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد در حالی که مقدار بالاتر آن نشانگر توزیع نابرابر درآمد است.

یک واحد افزایش یابد، شاخص نابرابری درآمد حدود ۱/۰۱ واحد کاهش می‌یابد. این نتیجه با مطالعات اویولنز - همز (۲۰۰۵)، دیوید (۲۰۱۱)، خان و بشیر (۲۰۱۱)، سروری و همکاران (۱۳۹۲)، آذربایجانی، ملاسمعیلی دهشیری و دائی کریم‌زاده (۱۳۹۲)، اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰)، موسوی، صدرالاشرافی و طاهری (۱۳۸۸) سازگار است. همچنین با توجه به مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر بحران اقتصاد جهانی می‌توان گفت با وقوع بحران اقتصاد جهانی، توزیع درآمد در کشورهای گروه دی‌هشت تقریباً به میزان ۰/۳۵ واحد بدتر شده است. این یافته همسو با نتایج مطالعاتی نظیر فریدمن و لوینسون (۲۰۰۲)، بالدسی، دی‌ملو و اینچاست (۲۰۰۲) و راوالیون (۲۰۱۰) است.

جدول ۳. برآورد الگوی (۱) برای کشورهای گروه دی‌هشت طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۳)

متغیرها	ضرایب	خطای معیار	Z	احتمال
رشد اقتصادی (Ggdp)	۰/۰۶۴۲	۰/۰۰۷۳	۸/۶۹	۰/۰۰۰
شاخص فلاکت (Misery)	۰/۰۰۵۰	۰/۰۰۰۹	۵/۱۳	۰/۰۰۰
سهم درآمد گردشگری (Stour)	-۱۹۰/۴۰	۸/۱۹۴	-۲۳/۲۴	۰/۰۰۰
آزادسازی تجاری (Open)	-۱/۰۱۲۹	۰/۱۳۷۵	-۷/۳۶	۰/۰۰۰
بحران اقتصاد جهانی (Dum)	۰/۳۵۲۷	۰/۰۱۳۳	۲۶/۵۰	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ (Cons)	۳۳/۰۰۵	۰/۰۷۳۶	۴۴۸/۰۴	۰/۰۰۰
Wald (کای دو)	۱۶۳۶/۶۴		-----	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۸	
F-لیمر	۶۶/۵۴		-----	۰/۰۰۰
هاسمن	۴۴/۲۶		-----	۰/۰۰۰

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد است. برای این منظور کشورهای گروه دی‌هشت با توجه به اهمیت این گروه و عضویت ایران در آن، طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ مورد توجه قرار گرفته و با به کارگیری روش داده‌های تابلویی، اثر گردشگری بر توزیع درآمد این کشورها بررسی شده است.

براساس نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر، گردشگری موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. برای تداوم این اثر به نظر می‌رسد رشد گردشگری باید به نفع عوامل تولیدی باشد که وضعیت درآمدی پایین تری دارند و از این رو، نحوه توسعه و ساختار گردشگری حائز اهمیت است. به ویژه اینکه توسعه بخش گردشگری با توجه به پتانسیل‌های قابل توجه آن، یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد تک‌محصولی مورد نظر گروه دی‌هشت نیز است. در کنار نتیجه مذکور، ضریب منفی و معنادار متغیر درجه باز بودن تجاری نشان‌دهنده اهمیت باز بودن اقتصاد برای کشورهای دی‌هشت برای بهبود توزیع درآمد می‌باشد. اگرچه این کشورها باید مقاومت اقتصاد خود را در مقابل بحران‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی افزایش دهند چون براساس نتیجه تحقیق حاضر، شاخص فلاکت و بحران اقتصاد جهانی اثر مثبت و معنادار بر ضریب جینی دارد.

منابع و مآخذ

۱. آذربایجان، کریم، حسن ملاسمعیلی دهشیری و سعید دائی کریم‌زاده (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در ایران با رویکرد الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۶۱.
۲. ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶). «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۱.
۳. ابونوری، عباسعلی، سمیه مفتاح و هادی پرهیزی‌گشتی (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران (تحلیل مقایسه‌ای مناطق شهری و روستایی ایران)»، فصلنامه علوم اقتصادی، دوره ۵، ش ۱۳.
۴. احمدی، علی محمد و نادر مهرگان (۱۳۸۴). «تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۰.
۵. اصغرپور، حسین، بهزاد سلمانی و صمد حکمتی‌فرید (۱۳۹۳). «تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ج ۲، ش ۶.
۶. اکبریان، رضا و نغمه زارع‌حقیقی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر: مورد ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۸، ش ۲.
۷. بابازاده، محمد، صالح قویدل و حسن عموزادخلیلی (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش تجارت خارجی مطالعه موردی ایران بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۶»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۱، ش ۲.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۶۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه.
۹. حسن‌زاده، علی و مهران کیانوند (۱۳۸۸). «بحران مالی جهانی، بازار جهانی نفت و استراتژی اوپک»، تازه‌های اقتصاد، دوره ۷، ش ۱۲۶.
۱۰. خاکسارآستانه، حمیده و علی رهنما (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین گردشگری و توزیع عادلانه درآمدها در اقتصاد ایران»، کنفرانس ملی ایده‌های نوین در کشاورزی محیط زیست گردشگری، اردبیل، مؤسسه حامیان زیست اندیش محیط آرمانی، <http://www.civilica.com>.
۱۱. دیزجی، منیره و محدثه آهنگری‌گرگری (۱۳۹۴). «تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه، دوره ۹، ش ۳۳.
۱۲. رضایی، اسعداله، جواد حسین‌زاده، ایوب فرامرزی و منصوره یزدان‌خواه (۱۳۹۲). «تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، ش ۴.

۱۳. سالواتوره، دومینیک (۱۳۹۱). *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه حمید ابریشمی، تهران، انتشارات نشر نی.
۱۴. سپهردوست، حمید و صابر زمانی‌شبخانه (۱۳۹۴). «بهبود پار تویی توزیع درآمد و سیاست‌گذاری مالیاتی»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۳، ش ۱۰.
۱۵. سروری، علی‌اکبر، علی‌رضا کرباسی، محمود دانشور کاخکی و حکیمه هاتف (۱۳۹۲). «اثر نرخ رشد بخش‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری بر کاهش فقر در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ج ۲۱، ش ۸۳.
۱۶. شریفی‌رنانی، حسین، مریم صفائی‌شکیب و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۹). «بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران (در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۶۸)»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، دوره ۲، ش ۶.
۱۷. صدری، مسعود، عبدالقاسم غوابش و منی آسته (۱۳۸۶). «بررسی توسعه صنعت گردشگری؛ آثار و نتایج آن»، *اقتصاد و توسعه*، ش ۲۵ و ۲۶.
۱۸. طیبی، کامیل و بهاره ملکی (۱۳۹۰). «آثار باز بودن تجارت بر نابرابری درآمدی: مورد ایران و شرکای تجاری»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، ش ۴.
۱۹. کمیجانی، اکبر و فریدون محمدزاده (۱۳۹۳). «تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۲، ش ۶۹.
۲۰. گرجی، ابراهیم و محمد برهانی‌پور (۱۳۸۷). «اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۱۰، ش ۳۴.
۲۱. موسوی، نعمت‌اله؛ مهریار صدراالاشرفی و فرزانه طاهری (۱۳۸۸). «آثار جهانی شدن بر نابرابری درآمد در ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی*، دوره ۳، ش ۲.
۲۲. میرزائی، حسین، منیره دیزجی و فاطمه آقاپور اقدمیانجی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در ایران»، *اولین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست*، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، <http://www.civilica.com>
۲۳. نظری، روح‌اله و لیلا مظاهری (۱۳۹۰). «ارتباط تورم و توزیع درآمد در ایران»، *فصلنامه سیاسی - اقتصادی*، سال بیست و پنجم، ش ۲۸۴.
۲۴. نظری، محسن و زهرا فتوره‌چی (۱۳۸۸). «رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران: آزمون فرضیه کوزنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۳۶.

۲۵. نیلی، مسعود و علی فرح‌بخش (۱۳۷۷). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۳، ش ۱۰ و ۱۱.

26. Adiyia, B., D. Vanneste, A. Van Rompaey and W. M. Ahebwa (2014). "Spatial Analysis of Tourism Income Distribution in the Accommodation Sector in Western Uganda", *Tourism and Hospitality Research*, No. 14(1-2).
27. Agénor, P. R. (2002). "Does Globalization Hurt the Poor?", *World Bank Policy Research Working Paper*, (2922).
28. Anderson, E. (2005). Openness and Inequality in Developing Countries: A Review of Theory and Recent Evidence, *World Development*, No. 33(7).
29. Archer, B. and J. Fletcher (1996). "The Economic Impact of Tourism in the Seychelles", *Annals of Tourism Research*, No. 23(1).
30. Archer, B. H. (1982). "The Value of Multipliers and their Policy Implications", *Tourism Management*, No. 3(4).
31. Asteriou, D. and S. Price (2005). "Uncertainty, Investment and Economic Growth: Evidence from a Dynamic Panel", *Review of Development Economics*, No. 9(2).
32. Baldacci, E., L. De Mello and G. Inchauste (2002). *Financial Crises, Poverty and Income Distribution*, No. 2002-2004, International Monetary Fund.
33. Baltagi, Badi H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, England, John Wiley & Sons Ltd, Third Edition.
34. Bigsten, A. and J. Levin (2000). "Growth, Income Distribution and Poverty: a Review, Rapport nr", *Working Papers in Economics*, No. 32.
35. Blake, A., J. S. Arbache, M. T. Sinclair and V. Teles (2008). "Tourism and Poverty Relief", *Annals of Tourism Research*, No. 35(1).
36. Blinder, A. S. and H. Y. Esaki (1978). "Macroeconomic Activity and Income Distribution in the Postwar United States", *The Review of Economics and Statistics*, No. 60(4).
37. Bruno, M., M. Ravallion and L. Squire (1996). *Equity and Growth in Developing Countries: Old and New Perspectives on the Policy Issues*, Vol. 1563, World Bank Publications.
38. Clements, B. J. and K. S. Kim (1988). *Foreign Trade and Income Distribution: the Case of Brazil*, Vol. 108, Helen Kellogg Institute for International Studies, University of Notre Dame.
39. Copeland, B. R. (1991). "Tourism, Welfare and De-industrialization in a Small Open Economy", *Economica*, No. 58 (232)
40. Corden, W. M. and J. P. Neary (1982). "Booming Sector and de-Industrialisation in a Small Open Economy", *The Economic Journal*, No. 92(368).
41. Dadkhah, K. M. (2006). "Income Distribution and Economic Growth in the United States: 1947-2001", Department of Economics Northeastern University Boston, MA 02115, USA.

42. David, M. (2011). "Globalization and Income Inequality in Brazil", Master of Science in International Business (Dissertation), Aarhus School of Business, Aarhus University, Master of Science in International Business.
43. Dollar, D. and A. Kraay (2004). "Trade, Growth and Poverty", *The Economic Journal*, No.114(493).
44. Frechtling, D. C. and E. Horvath (1999). "Estimating the Multiplier Effects of Tourism Expenditures on a Local Economy Through a Regional Input-output Model", *Journal of Travel Research*, No. 37(4).
45. Friedman, J. and J. Levinsohn (2002). "The Distributional Impacts of Indonesia's Financial Crisis on Household Welfare: A "Rapid Response" Methodology", *The World Bank Economic Review*, No. 16(3).
46. Garcia, F. and A. C. Banderia (2004). "Economic Reforms, Inequality and Growth in Latin America and Caribbean", *Cepal Review*, No. 77.
47. Gatti, P. (2013). "Tourism, Welfare and Income Distribution: The Case of Croatia", *Original Scientific paper*, No. 61(1).
48. Georgiou, M. N. (2015). "Income Distribution, Tourism, Crisis and Southern European Countries", *Tourism, Crisis and Southern European Countries* (April 19, 2015).
49. Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective: a Book of Essays*, No. HC335 G386, Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
50. Hanna, J., L. Lévi and S. Petit (2015). "Intra-tourism Trade, Income Distribution and Tourism Endowment: an Econometric Investigation", *Applied Economics*, No. 47(21).
51. Incera, A. C. and M. F. Fernández (2015). "Tourism and Income Distribution: Evidence from a Developed Regional Economy", *Tourism Management*, No. 48.
52. Kakwani Nanak, C. (1980). *Income Inequality and Poverty: Methods of Estimation and Policy Applications*, World Bank Research Publication, Oxford University Press, English.
53. Khan, R. E. A. and N. Bashir (2011). "Trade Liberalization, Poverty and Inequality Nexus: A Case Study of India", *Asian Economic and Financial Review*, No. 1(3).
54. Lacher, R. G. and C. O. Oh (2012). "Is Tourism a Low-income Industry? Evidence from Three Coastal Regions", *Journal of Travel Research*, No. 51(4).
55. Lee, C. K. (1996). "Input-output Analysis and Income Distribution Patterns of the Tourism Industry in South Korea", *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, No.1(1).
56. Lee, J. E. (2006). "Inequality and Globalization in Europe", *Journal of Policy Modeling*, No. 28(7).
57. Lewis, W. (1954). "Economic Development with Unlimited Supplies of Labor", *Manchester School of Economic and Social Studies*, Vol. 22.
58. Li, H., and H. F. Zou (2002). "Inflation, Growth, and Income Distribution: A Cross-country Study", *Annals of Economics and Finance*, No. 3(1).

59. Lim, G. C., and P. D. McNelis (2014). "Income Inequality, Trade and Financial Openness", *Melbourne Institute Working Paper*, No. 7(14).
60. Malerba, G., and M. Spreafico (2014). "Structural Determinants of Income Inequality In the European Union: Evidence From a Panel Analysis", *Rivista Internazionale di Scienze Sociali*, No. 124(1).
61. Marcouiller, D. W. and X. Xia (2008). "Distribution of Income from Tourism-Sensitive Employment", *Tourism Economics*, No. 14(3).
62. Marcouiller, D. W., K. K. Kim and S. C. Deller (2004). "Natural Amenities, Tourism and Income Distribution", *Annals of Tourism Research*, No.31(4).
63. Masse, P. (2001). "Trade, Employment and Wages: A Review of the Literature", *Human Resources Development Canada*.
64. Mathieson, A. and G. Wall (1982). *Tourism, Economic, Physical and Social Impacts*, Longman, London, New York, No. 22(151).
65. McCulloch, N., L. A. Winters and X. Cirera (2001). *Trade Liberalization and Poverty: A Handbook*, London: Centre for Economic Policy Research.
66. Meschi, E. and M. Vivarelli (2007). "Trade Openness and Income Inequality in Developing Countries", *Working Papers (University of Warwick)*, No. 232.
67. Milanovic, B. (2005). "Can we Discern the Effect of Globalization on Income Distribution? Evidence from Household Surveys", *The World Bank Economic Review*, No. 19(1).
68. Munir, S., A. Kausar Kiani, A. Khan and A. Jamal (2013). "The Relationship between Trade Openness and Income Inequalities: Empirical Evidences from Pakistan", *In 3rd International Conference on Business Management*.
69. Nolan, B. (1988). "Macroeconomic Conditions and the Size Distribution of Income: Evidence from the United Kingdom", *Journal of Post Keynesian Economics*, No. 11(2).
70. Nowak, J. J., S. Petit and M. Sahli (2012). "Intra-tourism Trade in Europe", *Tourism Economics*, No.18(6).
71. Nurkse, R. (1953). *Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries*, Oxford University Press, New York.
72. Obiols-Homs, F. (2005). "Trade Effects on the Personal Distribution of Wealth", *Unpublished Manuscript, Universitat Autònoma de Barcelona*.
73. Oniki, H. and H. Uzawa (1965). "Patterns of Trade and Investment in a Dynamic Model of International Trade", *Review of Economic Studies*, No. 32.
74. Örnek, İ. and A. Y. Elveren (2010). "Trade Liberalization and Income Inequality in Turkey: An Empirical Analysis", *Çukurova Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, No. 19(2).
75. Pant, Suraj and Jeffrey Parker (2011). "The Impact of Tourism on Income Inequality", *The UCLA Undergraduate Journal of Economic*, No. 39(4).
76. Pesaran, M. H. (1974). "Income Distribution Trends in Rural and Urban Iran", *Bank Markazi Iran (March 1974), Mimeo*.

77. Ravallion, M. (2010). "The Developing World's Bulging (But Vulnerable) Middle class", *World Development*, No. 38(4).
78. Rojek, C. and J. Urry (1997). *Touring Cultures: Transformations of Travel and Theory*, Psychology Press.
79. Rostow, W. W. (1990). *The Stages of Economic Growth: A Non-communist Manifesto*, Cambridge University Press, New York, No. 131(3408).
80. Schnitzer, M. (1974). "Income Distribution: A Comparative Study of the United States, Sweden, West Germany, East Germany, the United Kingdom, and Japan", Praeger Publishers.
81. Trkić-Izmirlija, N. and A. Efendić (2013). "Effects of the Global Economic Crisis and Public Spending on Income Distribution in Bosnia and Herzegovina", In *International Conference on Economic and Social Studies, 10-11 May, 2013, Sarajevo*, International Burch University, No. 1(1).
82. Tsai, P. L. and C. H. Huang (2007). "Openness, Growth and Poverty: The Case of Taiwan", *World Development*, No.35(11).
83. Ul Haq, M. (1976). *The Poverty Curtain: Choices for the Third World*, Columbia University Press. International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944), No. 53(4).
84. Untong, A., S. Phuangsaichai, N. Taweelertkunthon and J. Tejawaree (2006). "Income Distribution and Community-based Tourism: Three Case Studies in Thailand", *Journal of GMS Development Studies*, Vol. 3.
85. UNWTO (2015). United Nations World Tourism Organization, UNWTO Tourism Highlights Edition.
86. Wattanakuljarus, A. and I. Coxhead (2008). "Is Tourism-based Development Good for the Poor?: A general Equilibrium Analysis for Thailand", *Journal of Policy Modeling*, No. 30(6).
87. Weil, G. (1984). "Cyclical and Secular Influences on the Size Distribution of Personal Income in the UK: Some Econometric Tests", *Applied Economics*, No.16 (5).
88. Weriemmi, M. E. and C. Ehrhart (2004). "Inequality and Growth in a Context of Commercial Openness, Theoretical Analysis and Empirical Study: The Case of the Countries Around the Mediterranean Basin", *University of Nice-Sophia Antipolice*.
89. Winters, L. A. (2002). "Trade Liberalisation and Poverty: What are the Links?", *The World Economy*, No. 25(9).
90. World Bank (2016). "World Development Indicators", Accessed at <http://www.worldbank.org/data/onlinedatabases/onlinedatabases.html>.
91. WTO (2015). "Yearbook of Tourism Statistics", Madrid: World Tourism Organization.
92. Yoshino, O. (1993). "Size Distribution of Workers' Household Income and Macroeconomic Activities in Japan: 1963–1988", *Review of Income and Wealth*, No. 39(4).
93. Zhang, X., P. Ding and J. Bao (2008). "Income Distribution, Tourist Commercialisation and Hukou Status: a Socioeconomic Analysis of Tourism in Xidi, China", *Current Issues in Tourism*, No. 11(6).